

بسمه تعالی

کار عملی شماره ۴

## نقد هنری

درس: کاربرد هنر در آموزش

مدرس: مصباحی

گروه:

نام و نام خانوادگی دانشجو

– نقادی هنری شامل کاربرد زبان، نگارش متفکرانه و هوشمندانه و صحبت کردن در باره هنر است که از طریق آن فرد می تواند به نحوی بهتر و پر بار تر نقش و جایگاه هنر را در فرهنگ و جامعه درک کند و برای آن ارزش قائل شود.

مراحل چهار گانه آن:

۱- توصیف

۲- تحلیل

۳- تفسیر

۴- قضاوت

می باشد

دانشجویان عزیز برای نقد هنری یکی از پنج اثر معرفی شده را به دلخواه انتخاب و به سوالات مطرح شده با دقت و مطالعه کافی پاسخ دهید. برای نقد بهتر مطالب که در ذیل تمرین آمده است را قبل از انجام تمرین به دقت مطالعه کنید. بعد از انتخاب اثر شناسنامه اثر و زندگینامه ی خالق آن را خوب مطالعه کنید.

## ۱- توصیف کردن:

– در این تصویر چه می بینید؟

– آیا رنگ ها را می بینید؟ ( چه رنگ هایی؟)

– آیا شکل ها را می بینید؟ ( چه شکل هایی؟)

– آیا فرم ها را می بینید؟ ( چه فرم هایی؟)

– آیا بافت را می بینید؟ ( چه نوعی؟)

– آیا خطوط را می بینید؟ ( چه نوعی؟ )

– آیا روشنایی را می بینید؟ ( اگر بله، از کجا می آید؟ )

– آیا سایه ها را می بینید؟ ( اگر بله، به کجا می روند؟ )

– آیا افراد وجود دارند؟ ( آن ها شبیه چه هستند؟ آن ها چه پوشیده اند؟ )

– آیا هیچ الگویی وجود دارد؟ ( چه هستند؟ )

– بر آورد شما در باره تصویر چیست؟

– آیا هیچ فضای خالی در تصویر هست؟

## ۲- تحلیل کردن

– آیا تصویر دارای بعد داخلی ( مرکزی ) است یا اینکه تخت به نظر می رسد؟

– به نظر شما ظاهر تصویر چه چیزی را می سازد؟ چرا؟

– آیا اشیا یا افراد هیچ شکلی را فرم می دهند؟ ( آن ها چه هستند؟ )

– به نظر شما این تصویر چه زمانی از روز است؟ ( چرا؟ ) آیا مهم است؟ ( چرا؟ )

– به نظر شما چرا هنرمند آن رنگ ها را برای نقاشی استفاده کرده است؟ توضیح دهید.

– آیا یک فرد / شیئی مهم تر از بقیه در تصویر است؟ ( اگر بله چرا و چگونه می توان بیان کرد؟ )

– آیا شما تصور می کنید محل زندگی هنرمند در نقاشی اش تاثیر گذاشته است؟ ( چرا؟ )

– به نظر شما هنرمند برای خلق این اثر هنری از چه مواردی استفاده کرده است؟ ( توضیح دهید )

## ۳- تفسیر کردن

– چه اتفاقی در تصویر افتاده است؟

– اگر افرادی در تصویر هستند، فکر می کنید چه کسانی هستند؟

– اگر اشیا در تصویر هستند، آن اشیا چه چیزی را ارائه می کنند؟

– رنگ ها چه چیزی را بیان می کنند؟

– آیا داستانی در این تصویر وجود دارد؟ ( آن چیست؟ آیا دارای مفهوم و معنا است؟ )

– اگر داستانی دارد آیا مبتنی بر حقیقت است یا تخیل؟ ( توضیح دهید )

– چگونه تصویر ، احساسات شما را بر می انگیزد؟ ( چرا )

– این اثر هنری چگونه خلق شده است؟ ( در باره آن چه فکر می کنید؟ )

#### **۴– تفسیر کردن ( قضاوت )**

– آیا این تصویر را دوست دارید؟ ( توضیح دهید )

– چرا هنرمند / ترسیم کرده است؟

– فکر می کنید اکثریت مردم از این اثر هنری لذت می برند یا خیر؟ ( چرا )

– این اثر هنری جایگاهی در تاریخ دارد؟ ( اگر بله ، چرا؟ )

– آیا این تصویر در شما اثر می گذارد؟ ( چگونه و چرا؟ )

– آیا این تصویر مسیر نگرستن شما به دنیای اطرافتان را تغییر می دهد؟ چگونه و چرا؟

## **مطالب زیر برای نقد بهتر حتما مطالعه شود**

معرفی برنامه درسی پیشنهادی هنر

مرحله اول ( کودگستان تا پایه سوم )

گسترش درک ابتدایی هنر شامل:

گسترش ادراکات حسی

حس بینایی

حس شنوایی

حس حرکتی

حس لامسه

درک مفاهیم هنری

خلق هنری

مرحله دوم ( پایه چهارم تا ششم )

تاکید بر درک خواص متعارف و متعدد یک اثر هنری ( واریزی زیبا شناختی )

موضوع

شکل

محتوا

شناخت عناصر بصری و ترکیب بندی

عناصر بصری

در دنیای امروز که مقادیر روز افزون و قابل توجهی خبر و پیام در سطح جهان از راههایی به غیر از زبان و گفتار به صورت تصویر (عکس، فیلم و علایم گرافیکی) نقل و پراکنده می شود، دانستن نکاتی در مورد فهم بیشتر و بهتری از اخبار و پیامهای بصری ایجاب می کند.

ما برای بهتر دیدن نیازمند چیزی فراتر از مهارت در یادگیری زبان داریم، . دیدن تصویر و شرکت در فرآیند سازماندهی آن، عملی خلاق است.

باید در زبان تصویری از حد موهبت طبیعی توانایی دیدن تشخیص بصری خود فراتر رویم. امروزه آموختن اصول و عناصر اولیه ی بصری امری واجب است.

به این ترتیب، درست دیدن و درست استفاده کردن از تصویر و پیامهای بصری به طور کلی، فنی است که باید قدم به قدم فراگرفته شود – البته به ضرورت این فراگیری منجر به تبدیل انسان به یک هنرمند نمی شود ولی با این وصف، لزوم آن در زمان حاضر روز به روز برای عده ی بیشتری مطرح می شود.

## نکات مهمی که می توان آنها را نکات برجسته ی دستور زبان بصری نامید عبارتند از:

• عناصر اولیه بصری (نقطه، خط، شکل، رنگ، جهت و...)

• ترکیب بندی یا کمپوزسیون

• شیوه های ایجاد پیام بصری (شبه سازی، رمز، انتزاع و...)

• و در آخر، فنون یا تکنیکهای بصری و شناخت سبک های گوناگون.

امروز، نیروی فرهنگی و جهانی سینما، عکاسی و تلویزیون که همگی متشکل از تصویر هستند، ضرورت آموزش سواد بصری را شدت بخشیده است. این آموزش، هم برای سازندگان ارتباط بصری لازم است و هم برای بینندگان آنها.

موهولی ناگی (مولی نی) (Moholy- Nagy) استاد عالی قدر باهاوس (Bau-Haus) در سال ۱۹۳۵ در این باره چنین اظهار نظر کرده است: "در آینده، بی سواد فقط کسی نیست که قلم را نمی شناسد، بلکه کسی که دستگاه عکاسی را نمی شناسد نیز بی سواد محسوب می گردد!" این مطالب گام بسیار کوچکی در شناخت این راه عظیم است.

### • سرآغاز:

هر نقش یا طرح یا تصویری به هر صورت، متشکل از یک سلسله عناصر تصویری اولیه است. منظور عناصری مانند کاغذ، رنگ، فیلم و ... نیست. عناصر اولیه ی بصری محدود و معین هستند: نقطه، خط، شکل، جهت، سایه – روشن یا رنگمایه، رنگ، بافت، بُعد، مقایس و حرکت. این عناصر ماده ی خام تمام اخبار بصری هستند و به شکلهای مختلف با هم ترکیب و تلفیق می شوند. انتخاب این عناصر و نوع بکارگیری آنها و طرز تلفیق با یکدیگر است که کلیت کادر را می سازد.

برای آنکه به فهم و تحلیلی از کل بیان بصری برسیم، بهتر است اول عناصر بصری را جداگانه بررسی کنیم تا به کیفیات آنها بهتر پی ببریم.

### • نقطه:

ساده ترین و تجزیه ناپذیر ترین عنصر در ارتباط بصری است. نقطه مبدا پیدایش فرم می باشد. وجود یک نقطه، مبین مکانی در فضا است. معمول ترین شکلی که می توان برای نقطه قائل شد گرد بودن است. نقطه ی چهارگوش یا مثلثی شکل به ندرت در طبیعت پیدا می شود (نقطه در معنای عام)

کوچک و بزرگ بودن یک نقطه، بسته به اینکه در چه فضایی قرار گرفته ارزیابی می شود. نقطه ممکن است در سطح مطرح شود یا بصورت حجم و سه بعدی در فضا وجود داشته باشد. از نظر ریاضی، نقطه عنصری ست که هیچ گونه بعدی ندارد و فضایی را اشغال نمی کند و از محل تلاقی دو خط، نقطه تشکیل می شود.

نقطه همچنین کوچکترین نمود بصری یک عنصر تصویری ست (یک نقطه در الفبا، یک برگ در فضا، یک گوی در آسمان، یک لکه روی دیوار، یک گل سرخ در فاصله ی کافی، یک ردپا بر روی برف، یک چراغ روشن در شهر و...)

نقطه، هر گجا که باشد خواه به صورت طبیعی یا مصنوع دست انسان، چشم را شدیداً به خود جلب می کند. در نتیجه، نقطه به منزله ی یک عنصر تصویری قوی می تواند برای نشان دادن مفهوم "تأکید" مورد استفاده قرار گیرد.

با تکرار نقطه، در ترکیب های متنوع و متعدد، می توان مفهوم "ریتم" را ساخت. با تجمع و تفرق نقطه ها در یک ترکیب جدید، مفهوم "انقباض و انقباض" را می توان نمایش داد (سورا \_ Seurat - نقاش امپرسیونیست فرانسوی، در نقاشی های خود با تکنیک پوینتیلیست \_ Pointillist یا نقطه چینی، این پدیده، یعنی ادغام نقطه ها، دستگاه بینایی انسان را آزمود)

نقطه ی مدور، انرژی تصویری متراکمی را در درون خود زندانی کرده، برعکس نقطه ای به شکل مربع یا مثلث یا شکل های مشابه، انرژی تصویری را در جهت یا جهات اضلاع خود هدایت می کنند.

#### • خط:

دومین عنصر بصری است که از نزدیک شدن تعداد نقاط پدید می آید به طوری که دیگر نقطه ها قابل تشخیص نباشند. می توان گفت خط، نقطه ی در حال حرکت است، یعنی نقطه ایست که در اثر نیرویی که از یک جهت بر آن وارد آمده، حالت ایستایی خود را از دست داده و به صورت یک عنصر تصویری فعال در آمده، از نظر ریاضی، خط محل تلاقی دو صفحه یا از برخورد دو سطح برهم پدید می آید. خط فقط دارای واقعیت طولی می باشد و فاقد عمق و عرض است.

بر خلاف نقطه که عنصری متمرکز و ثابت است، خط دارای انرژی فعال و متحرک است. خطوط در یک تصویر ممکن است به صورت شکسته، منحنی، صاف، دندانه دار، موج، پهن و ضخیم و... باشند که هر کدام القاء تصویری خاص و معنا و مفهوم خود را دارند (که اشاره خواهد شد)

قوه ی بینایی انسان نسبت به تأثیر روانی خط و ارزش های هنری آن در یک قاب، حساسیت به خرج می دهد.

- خطوط افقی: معرف تعادل، آرامش و سکون است، بیشتر القای حالت غیر فعال، بی حرکت و خوابیده را دارند.

- خطوط عمودی: نشانگر ایستایی، نیرومندی و استحکام دارای تعادل و توازن هستند.

- خطوط مورب: بیشتر در یک قاب، القا ناپایداری را دارند، نامتعادل و متحرک هستند.

- خطوط منحنی: این خطوط بیشتر نرمش و ملایمت را در یک کادر القا می کنند. و دارای حرکتی روان و لغزنده هستند.

- خطوط شکسته و زاویه دار: این نوع خطوط در یک کادر معرف حالتی خشن، برنده و سخت هستند، عموماً چشم را آزار می دهد و اعصاب را متشنج می کند.

## • سطح ( شکل )

سومین عنصر بصری است که دارای طول و عرض است. اشکال مختلف هندسی سطح هستند. فضایی دو بعدی که از حرکت خط بر صفحه پدید می آید.

در میان شکل های هندسی ( مسطح ) سه شکل مثلث، مربع و دایره شکل های هندسی اصلی هستند. سایر شکل های هندسی به نحوی مشتق از همان سه شکل یا ترکیبی از آنها می باشند. هر کدام از این سطوح که در وضعیت و شرایط مختلفی قرار می گیرند، بیان تصویری تازه ای را به خود میگیرند. به هر کدام از این اشکال حالات و خصوصیات نسبت داده شده است که یا به علت شکل ذاتی آنها بوده و یا به علت واکنش دستگاه روانی انسانها و یا به دلیل تعابیر خاص فرهنگی و ...

- مثلث: مثلثی که قاعده اش پایین باشد، دارای استحکام و شکلی پایدار است. و برعکس، هرگاه بر یکی از رؤس خود بایستد، حالت ناپایدار و تزلزل به خود می گیرد. مثلث، فعالیت، جدال و انقباض را تداعی میکند.

- مربع: به این دلیل که از جهت یک ضلع روی زمین قرار می گیرد مستحکم و ایستاست، به مربع حالت بی حرکتی، صداقت و صراحت نسبت داده شده است.

- دایره: القای بی انتهایی، گرما و محفوظ بودن را دارد. و در کل به خاطر شکل دورانی اش، نوعی تحرک را القا می کند.

## • حجم:

حجم یک عنصر تصویری است که دارای سه بعد طول، عرض و عمق می باشد. حجم، سطحی است که در فضا حرکت نموده و از جهت سطح خود در عمق گسترش یافته است. یک حجم ممکن است دارای نظم هندسی باشد یا از فرم نامنظم تشکیل شده باشد. حجم ها از توسعه و بسط سطوح اصلی مثلث، مربع و دایره تشکیل شده اند مانند مکعب، مخروط و کره. و حجم های نامنظم که از سطوح نامشخص بوجود آمده اند مثل صخره و قطعه سنگ و ...

شکل وابسته به سطح است و فرم وابسته به حجم است.

حجم تو پر دارای واقعیت بیرونی است و حجم تو خالی دارای واقعیت درونی و بیرونی است.

## • بافت:

بافت یکی دیگر از عناصر هنرهای تجسمی است که معمولاً آنرا تنها با حس لامسه در ارتباط می دانند، در حالیکه اهمیت آن، بیشتر در ارتباط با نیروی خاص و استعداد اکتسابی قوه ی بینایی است که در اثر تجربه به دست می آید.

اگر این عنصر از طریق هر دو حس یعنی لامسه و بینایی توأماً تجربه و شناخته شود، ابعاد وسیع تری از مفاهیم را قابل درک می کند. مواد صاف و نرم، زبر و خشن، براق و کدر، مانند چوب، شیشه، پنبه، سنگ، کاغذ و ...

چیزی که ما از دوران کودکی بوسیله ی حس لامسه درک می کنیم برای ما ایجاد سابقه ی ذهنی در مورد بافتهای گوناگون می کند، به طوری که با نگاه به بافت فوراً زبری و نرمی آن را حس می کنیم! عنصری که به کار گیری آن در یک ترکیب بندی می تواند تأثیرات بی نظیری بر دید مخاطب داشته باشد.

## • فضا:

فضا مشخص کننده ی موقعیت و وضعیت هر پدیده عینی با سایر پدیده هاست، فضا، وجود هر موجود عینی را در ارتباط با سایر موجودات معین می کند و فضای داخلی، خارجی و میانی را قابل درک می سازد.

فضا مفاهیم متعدد دارد: فضای توخالی، فضای آزاد، فضای سبز، فضای زنده یا مرده، و...

فضا به خودی خود قابل درک نیست، با قرار گرفتن حجم سه بعدی در فضا، موقعیت آن حجم در فضا معلوم می شود و "فضا" موجودیت خود را اعلام می کند.

## • حرکت:

هر ماده ای در ذات خویش در حرکت و تکاپوست و هر موجودی در طبیعت، از تحرک درونی برخوردار است. حرکت در یک تصویر، ممکن است با نقطه و یا خط ایجاد گردد و به شکل های مختلفی مطرح شود. شکل حرکت ممکن است به صورت مارپیچ، مدور، زیگزاگ و راست باشد. جهت حرکت نیز ممکن است بالا، چپ، راست و... باشد. هر عنصر تصویری یا هر شکلی، ممکن است انرژی حرکت را کم و بیش داشته باشد.

مثلا در شکل مثلث انرژی حرکت به جانب گوشه ها و زوایای آن در جریان است، در لوزی به جانب قطرهای کوچک و بزرگ .

هر سطحی با توجه به برتری یک جهت آن، انرژی حرکتی را به جانب همان جهت نشان می دهد و تحت تاثیر کشش های وارده از جهت های مختلف، به سمتی که طول بیشتری دارد حرکت می کند.

مفهوم حرکت را به صورتهای دیگری می توان ادراک نمود، از جمله در اثر تکرار یک عنصر بصری، که این کار بوسیله تکرار عناصر زیادی امکان پذیر است.

مثلا حرکت یک دایره در صفحه بوسیله تکرار مداوم که باعث بوجود آمدن نوعی ریتم نیز می گردد.

عنصر بصری حرکت، مانند بعد سوم و بافت بصری بیشتر به صورت کاذب در سطح دو بعدی طراحی یا بوسیله دوربین ثبت می گردد.

در نقاشی جزئیات بسیار ریز روی یک سطح، این توهم را بوجود می آورد که صفحه ی کاغذ دارای آن بافت است و با استفاده از فن سایه روشن و پرسپکتیو توهم برجسته بودن تصویر بوجود می آید. اما ایجاد توهم حرکت در یک شکل ثابت و بی حرکت به مراتب دشوار تر است. بعد از اختراع فن فیلمبرداری ایجاد توهم حرکت با تصاویر به اوج خود رسید.

بهتر است بدانیم که حرکت تصاویر در فیلم نیز واقعی نیست و نوعی خطای باصره است به آن اصطلاحا تدوam در رویت می گویند. یک رشته تصاویر ثابت (۲۴ فریم در ثانیه) با چنان سرعتی عوض می شوند که قبل از آنکه تاثیر تصویر قبلی از سلسله اعصاب بینایی محو شود تصویر دیگر ظاهر می شود. در نتیجه تصاویر در هم آمیخته به نظر می رسد

(Persistence of vision) یا خطای رویت.

گاهی در یک کمپوزیسیون یا ترکیب بندی ممکن است به علت ریتم (تکرار یک عنصر) یا آهنگ موجود در آن، حالت حرکت را القا کند.

تکرار یک عنصر در نقاشی یا عکس حالت حرکت را در دید انسان القاء می کند این حس را می توان با کشیدگی تصویر یا استفاده از سرعت شاتر پایین برای ثبت حرکت در عکاسی نیز القا کرد.

توجه داشته باشیم که تمامی عناصر یاد شده در یک ترکیب بندی موفق حتما در جای خود در جهت ایجاد یک حس بصری به کار می روند تا تأثیر گذار باشند.

## – رنگ ها

### دایره یا چرخه رنگ

دایره رنگ اصلی و ابتدایی که دایره رنگ سنتی در هنرهای تجسمی به شمار می رود از ۳ رنگ آبی، قرمز و زرد تشکیل شده است. سر آیزاک نیوتون (Sir Isaac Newton) در سال ۱۶۶۶ اولین دایره رنگ را به وجود آورد. در مورد چیدمان رنگ ها در این دایره اختلاف نظرهایی وجود دارد اما در حقیقت هر دایره رنگی که ترتیب منطقی رنگ های خالص را رعایت کرده باشد درست و قابل استفاده است. در این دایره چند دسته رنگ قرار می گیرند که در دسته بندی های زیر آن ها را معرفی می کنیم:

### آموزش ترکیب رنگها

#### رنگ های اصلی (primary colors)

دسته اول رنگ های قرمز و زرد و آبی هستند که آن ها را با نام رنگ های اصلی می شناسیم زیرا دانه های رنگی تشکیل دهنده ی آن ها از ترکیب هیچ رنگ دیگری به وجود نیامده است. همچنین تمام رنگ های دیگر این دایره از ترکیب تناژهای مختلف این ۳ رنگ با هم به دست می آیند.

#### رنگ های فرعی (secondary colors)

دسته دوم را با نام رنگ های فرعی یا ثانویه می شناسیم که شامل رنگ های سبز و نارنجی و بنفش هستند که از ترکیب رنگ های اصلی با یکدیگر به وجود آمده اند، رنگ های ثانویه در دایره ی رنگ بین دو رنگ تشکیل دهنده ی خود قرار می گیرند.

#### رنگ های ترکیبی (tertiary colors)

دسته ی سوم رنگ های ترکیبی هستند که از ترکیب یک رنگ اصلی با یک رنگ فرعی به وجود می آیند. مانند قرمز-بنفش، زرد-سبز، زرد-نارنجی

#### روش های ترکیب رنگ های گرم و سرد:

در یک دسته بندی دیگر رنگ ها به ۳ دسته با نام های گرم، سرد و خنثی شناخته می شوند؛ اما منظور از هر کدام چیست؟

خانواده‌ی رنگ‌های گرم، شامل رنگ‌هایی مثل قرمز، زرد و نارنجی است. این رنگ‌ها سراسر شور و حرارت‌اند. حس جنبش و تحرک را در ما برمی‌انگیزند یادآور شعله‌های آتش و ندای‌کننده‌ی گرما و حرارت آتش هستند؛ و یا مانند رنگ زرد، آفتاب گرم تابستان را به تصویر می‌کشند.

ترکیب رنگها در نقاشی ساختمان و ترکیب رنگ

رنگ‌های گرم باعث ایجاد حس شور و هیجان و عشق و حرارت میشوند! رنگ قرمز تأثیر زیادی بر ایجاد حس خشم دارد.

رنگ‌های سرد اما سراسر آرامش و سکون هستند. رنگ‌هایی مثل آبی و سبز و بنفش. آبی تداعی‌کننده‌ی آسمان و آب و سبز هم نمادی از طبیعت و عناصر موجود در آن! به‌طور کلی رنگ‌های سرد حس سرما و آرامش ایجاد می‌کنند. ثابت‌شده است افراد در اتاقی که در آن از رنگ‌های سرد استفاده‌شده دمای کمتری را احساس می‌کنند هرچند واقعاً این‌گونه نباشد! رنگ‌ها این چنین تأثیرات عمیقی دارند.

ترکیب رنگ‌های سرد در نقاشی

رنگ‌های سرد

نماد نظم و صلح و آرامش‌اند. رنگ آبی کاهش‌دهنده‌ی ضربان قلب و ضد اشتهاست. کسانی که رژیم کاهش وزن دارند میتوانند از ظروف یا رومیزی‌هایی با رنگ آبی استفاده کنند.

دسته‌ی آخر رنگ‌های خنثی هستند که شامل رنگ‌هایی مثل سفید، مشکی و خاکستری هستند.

ایجاد رنگ‌های گرم:

همان‌طور که گفتیم رنگ‌های اصلی عبارت‌اند از زرد و آبی و قرمز که رنگ‌های زرد و قرمز جزء خانواده رنگ‌های گرم به شمار می‌روند. با ترکیب این دو رنگ میتوان یکی دیگر از رنگ‌های گرم را ایجاد کرد:

زرد + قرمز = نارنجی

اما رنگ نارنجی طیف‌های متفاوتی دارد و با توجه به نسبت رنگ‌های استفاده‌شده در ترکیب، تغییر می‌کند، مثلاً رنگ قرمز – نارنجی در ترکیب خود قرمز بیشتر و زرد کمتر دارد و یا رنگ زرد – نارنجی دارای زرد بیشتر و قرمز کمتر است.

با اینکه سبز، جزء رنگ‌های سرد به حساب می‌آید اما همان‌طور که در چرخه‌ی رنگ مشاهده کردید می‌توان با ترکیب کردن آن با رنگ زرد، رنگ زرد – سبز را ساخت که جز رنگ‌های گرم به شمار می‌رود.

سبز + زرد = سبز – زرد

عکس نقاشی با رنگ‌های سرد و گرم – روش‌های ترکیب رنگ

روش‌های ترکیب رنگ

## ایجاد رنگ‌های سرد

برای ساخت رنگ‌های سرد هم می‌توان با توجه به چرخه‌ی رنگ عمل کرد، رنگ آبی اصلی‌ترین رنگ این خانواده است و خود، طیف‌های متفاوتی دارد. از ترکیب این رنگ با رنگ‌های خنثی می‌توان طیف‌های مختلف رنگ آبی را ساخت. از ترکیب رنگ آبی با رنگ قرمز رنگ بنفش به دست می‌آید. بنفش هم مثل رنگ‌های دیگر طیف‌های گسترده‌ای دارد و هر قدر میزان آبی استفاده‌شده در آن بیشتر باشد سردی آن بیشتر می‌شود و برعکس با اضافه کردن قرمز بیشتر می‌توان گرمای آن را زیاد کرد.

آبی + قرمز = بنفش

از ترکیب رنگ آبی با رنگ‌های فرعی نیز می‌توان رنگ‌های جدیدی ساخت. برای مثال :

آبی + سبز = آبی-سبز

این رنگ نوعی آبی متمایل به سبز است و جزء خانواده‌ی رنگ‌های سرد است.

مطالبی که عنوان کردیم اصول اولیه‌ی ترکیب رنگ نقاشی و یا ترکیب رنگ نقاشی ساختمان هستند، اما رنگ‌ها دنیای بزرگ‌تر و پیچیده‌تری دارند و به مواردی که عنوان کردیم محدود نمی‌شوند، با ترکیب کردن رنگ‌ها بارنگ‌های خنثی و یا ترکیب کردن چند رنگ باهم می‌توان رنگ‌های جدید و جذاب ساخت و در تمام آن‌ها با به‌کارگیری درست و اصولی چرخه‌ی رنگ می‌توان به ترکیب‌های دلخواه رسید.

## خصوصیت رنگ‌ها

– روان‌شناسی رنگ سیاه

سیاه تمام نورها در طیف رنگ‌ها را جذب می‌کند.

سیاه معمولاً به عنوان نماد ترس یا شیطان مورد استفاده قرار می‌گیرد اما به عنوان نشانگر قدرت نیز شناخته می‌شود. از رنگ سیاه برای نشان دادن شخصیت‌های خطرناک مثل دراگولا و یا جادوگران استفاده می‌شود.

رنگ سیاه در بسیاری از فرهنگ‌ها برای مراسم سوگواری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رنگ همچنین نشانگر غمگینی، جذابیت جنسی و رسمی بودن است.

در مصر قدیم، رنگ سیاه نشانگر زندگی و تولد دوباره بود.

رنگ سیاه معمولاً به دلیل لاغر نشان دادن در نمایش‌های مد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲– روان‌شناسی رنگ سفید

رنگ سفید، نماد معصومیت و پاکی است.

رنگ سفید می‌تواند در انسان احساس فضای بیشتر به وجود آورد.

رنگ سفید معمولاً نشانگر سرما، پاکیزگی و آرامش است. اتاقی که کاملاً به رنگ سفید نقاشی شده باشد ممکن است جادار و بزرگ به نظر آید اما خالی و سرد است. بیمارستان‌ها و کادر پزشکی از رنگ سفید برای ایجاد حس پاکیزگی استفاده می‌کنند.

### ۳- روان‌شناسی رنگ قرمز

رنگ قرمز، رنگ گرمی است که برانگیزاننده هیجانات قوی است.

رنگ قرمز، نشانگر عشق، حرارت و صمیمیت است.

رنگ قرمز، به وجود آورنده احساس شور و هیجان است.

رنگ قرمز، تحریک کننده احساس خشم و عصبانیت است.

### ۴- روان‌شناسی رنگ آبی

آبی، رنگ مورد علاقه بسیاری از مردم و محبوبترین رنگ در بین مردان است.

رنگ آبی، احساس آرامش را به ذهن می‌آورد و معمولاً نشانگر صلح، امنیت و نظم است.

رنگ آبی، می‌تواند احساس غم، درون‌گرایی یا گوشه‌گیری را در بعضی افراد به وجود آورد.

رنگ آبی معمولاً برای دکور دفاتر مورد استفاده قرار می‌گیرد زیرا تحقیقات نشان داده است که افراد در اتاق‌های آبی کارایی بیشتری دارند.

رنگ آبی با وجودی که از محبوبترین رنگ‌هاست اما یکی از رنگ‌هایی است که کمترین اشتها را برمی‌انگیزد. در برخی از برنامه‌های کاهش وزن توصیه می‌شود که غذای خود را در بشقاب‌های آبی بکشید. رنگ آبی به ندرت به صورت طبیعی در خوراکی‌ها وجود دارد. همچنین رنگ آبی غذا معمولاً به عنوان نشانه فاسد بودن و یا سمی بودن آن در نظر گرفته می‌شود. رنگ آبی می‌تواند باعث کاهش ضربان قلب و حرارت بدن گردد.

### ۵- روان‌شناسی رنگ سبز

رنگ سبز، رنگ سردی است که نماد طبیعت است.

رنگ سبز، نشانگر آرامش، خوشبختی، سلامتی و حسادت است.

پژوهشگران دریافته‌اند که رنگ سبز می‌تواند باعث افزایش قابلیت خواندن گردد. برخی از دانش‌آموزان و دانشجویان با قراردادن یک برگه شفاف سبز رنگ بر روی صفحه کتاب، می‌توانند مطالب را با سرعت بیشتری از حد معمول بخوانند و درک کنند.

رنگ سبز، از دیر باز نماد باروری بوده و در قرن پانزدهم برای لباس عروسی به کار می‌رفته است.

از رنگ سبز در دکوراسیون به دلیل اثر آرام بخشی آن استفاده می‌شود.

رنگ سبز باعث کاهش استرس می‌شود. کسانی که در فضای کاری سبز رنگ کار می‌کنند، کمتر دچار دردهای دستگاه گوارش می‌شوند.

#### ۶- روان‌شناسی رنگ زرد

رنگ زرد، رنگی گرم و شاد است.

رنگ زرد به دلیل مقدار زیاد نوری که منعکس می‌کند، بیشتر از بقیه رنگ‌ها چشم را خسته می‌کند. استفاده از رنگ زرد برای پس زمینه کاغذ یا نمایشگر کامپیوتر می‌تواند باعث چشم درد یا در حالت‌های خاص از دست دادن بینایی گردد.

رنگ زرد می‌تواند احساس رنجیدگی و خشم را به وجود آورد. با وجودی که رنگ زرد به عنوان یک رنگ شاد شناخته می‌شود اما بیشتر مردم در اتاق‌های زرد رنگ، هیجانشان را از دست می‌دهند و بچه‌ها نیز در اتاق‌های زرد رنگ بیشتر گریه می‌کنند.

رنگ زرد باعث افزایش سوخت و ساز بدن انسان می‌گردد.

چون رنگ زرد، از بقیه رنگ‌ها زودتر دیده می‌شود، بیشتر از بقیه برای جلب توجه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

#### ۷- روان‌شناسی رنگ ارغوانی

رنگ ارغوانی نماد وفاداری و ثروت است.

رنگ ارغوانی نشانگر عقل و معنویت است.

رنگ ارغوانی خیلی کم در طبیعت وجود دارد و به همین دلیل ممکن است به عنوان نشانه مصنوعی یا غیر عادی بودن در نظر گرفته شود.

#### ۸- روان‌شناسی رنگ قهوه‌ای

رنگ قهوه‌ای، رنگی طبیعی است که بر انگیزاننده حس قدرت و اطمینان‌پذیری است.

رنگ قهوه‌ای همچنین می‌تواند حس غم و انزوا را به وجود آورد.

رنگ قهوه‌ای، حس گرما، محبت، آسایش و امنیت را به ذهن می‌آورد.

رنگ قهوه‌ای معمولاً بیانگر طبیعی بودن، زمینی بودن و متفاوت بودن است اما گاهی می‌تواند نشانگر پیچیدگی نیز باشد.

#### ۹- روان‌شناسی رنگ نارنجی

رنگ نارنجی، ترکیب زرد و قرمز است و به عنوان یک رنگ انرژی‌زا در نظر گرفته می‌شود.

رنگ نارنجی، احساس هیجان، گرما و شور و شوق را به ذهن می‌آورد.

رنگ نارنجی، معمولاً برای جلب توجه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## ۱۰- روان‌شناسی رنگ صورتی

رنگ صورتی، در واقع همان رنگ قرمز کم رنگ است و معمولاً نشانگر عشق است.

رنگ صورتی اثر آرام‌بخشی دارد. در ورزشگاه‌ها معمولاً رختکن تیم حریف را به رنگ صورتی نقاشی می‌کنند تا بازیکنان آن‌ها کم انرژی و منفعل شوند.

با وجودی که اثر آرام‌بخشی رنگ صورتی مشخص شده است ولی پژوهشگران دریافته‌اند که این اثر تنها در خلال مواجهه اولیه به وجود می‌آید. مثلاً هنگامی که از این رنگ در زندان‌ها استفاده شد، زندانیان پس از عادت کردن به آن، حتی نا آرام‌تر از قبل شدند.

مرحله سوم (هفتم تا نهم)

رشد دادن حسی از تاریخ هنر

مرحله چهارم (دهم تا دوازدهم)

تحلیل هنری یا نقد هنری